

یکشنبه 04 تیر 1402 ساعت: 15:08



یادداشت | ابعاد

فقه سیاست « سیاست



کد خبر: ۱۲۶۸۰

تاریخ انتشار: ۱۶ بهمن ۱۳۹۷ - ۱۷:۲۰ - 05 February 2019

از سوی رئیس انجمن مطالعات سیاسی حوزه صورت گرفت؛ گفت‌وگو | بررسی مبانی فقهی حزب در نظام سیاسی اسلام

وسائل - دکتر شیرخانی در خصوص وجود تشکیلات حزبی در نظام سیاسی اسلام گفت: مسأله شورا و مشورت، بیعت و مقوله امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مبانی فقهی تحزب در فقه شیعی باشد.

به گزارش خبرنگار وسائل، مقوله حزب و حکمرانی حزبی چند صباحی است که وارد ادبیات سیاسی کشور شده است. برخی بر



این باورند که حزب و حکمرانی حزبی از آنجایی که در صدر اسلام بر گروه‌های منافق و کافر اطلاق می‌شد، مشروعیت ندارند.

اما عده دیگر معتقدند این حزب با آنچه در صدر اسلام بود فرق دارد؛ به عبارت دیگر مقوله حزب و احزاب مسأله مستحدثه است و نمی‌شود همان حکم را بر آن حمل کرد.

با این توصیف لازم است برای بررسی ابعاد مسأله و اینکه آیا می‌شود برای مقوله حزب مبانی فقهی داشته باشیم خبرنگار پایگاه وسائل گفت‌وگویی با **دکتر علی شیرخانی؛ رئیس انجمن**

مطالعات سیاسی حوزه داشته است که بخش اول آن در ذیل تقدیم می‌شود.

وسائل - به عنوان اولین سؤال بفرمایید حزب به چه معناست؟

حزب یک واژه‌ای است مدرن؛ ولی می‌توانیم آن واژه را در منابع و متون خودمان و متون تاریخی دنبال کنیم که همین واژه در قرآن ذکر شده است، حزب الشیطان و حزب الله، کل حزب بما لדיهم فرحون و امثال این‌ها ذکر شده است.

اجمالاً باید حزب را به دسته و گروه معنا کنیم؛ حالا معانی متعددی در لغت وجود دارد، آنکه مورد بحث ما است، دسته و گروه است.

یک نهادها و تشکلهای سازمان‌یافته‌ای است که این تشکلهای، سازمان‌ها و نهادها، بیشتر برای افزایش مشارکت و کسب قدرت با گروه‌های دیگر در رقابت هستند؛ این عمده‌تاً چیزهایی است که در حزب‌های امروزی وجود دارد و خاستگاه آن هم چون غرب است در غرب هم اینگونه است.

احزابی که در کشورهای غربی وجود دارد، می‌آیند آشکارا می‌گویند که اصول و امهات ما این است، مبانی و لوازم و کارکردهای ما این است؛ در این موضوع خاص هم دیدگاه ما این است و مورد بحث قرار می‌گیرد.

برای نمونه دو سه سال اخیر، انگلستان عضو اتحادیه اروپا بود. دو حزب عمده در انگلستان وجود دارد؛ حزب محافظه‌کار و حزب کارگر، البته حزب لیبرال هم وجود دارد که نفوذ کمتری دارد.

انگلستان یک کشور جزیره‌ای است و چون نژاد آمریکایی‌ها آنگلا ساکسون هستند و پریترها به امریکا رفتند، با امریکا که الان قدرت مادی جهانی است ارتباط دارد؛ برخی از افراد می‌گفتند که ما جزیره و امپراطوری جهانی بودیم، نباید خود را در اتحادیه اروپا محصور کنیم، حالا اروپایی که وابسته به خود اروپا است.

حزب محافظه‌کار و حزب کارگر بحث کردند که در اتحادیه اروپا بمانیم و یا نمایم؛ می‌دانید که انگلستان از اسکاتلند، ایرلند، ولز و انگلیس تشکیل شده است؛ چهار تا منطقه مهم هستند. بعد آنجا صحبت شد، در نهایت با تمهیداتی که حزب محافظه‌کار داشت و بقیه، با پنجاه و چند درصد تصویب شد که انگلستان از اتحادیه اروپا بیرون برود و هنوز هم عواقب آن مطلب وجود دارد.

حالا این مسأله را در مباحث متعدد دیگری در انگلستان بررسی می‌کنند؛ حزب کارگر می‌گوید که موضع ما این است، به این دلیل و آن دلیل، حزب محافظه‌کار می‌گوید که موضع ما این است؛ بعد عرضه می‌کنند و مردم رأی می‌دهند.

با توجه به اینکه حزب در غرب اینگونه بود، معمولاً احزاب یک دفتر مرکزی دارند، شورای مرکزی دارند، بعد شعبات در شهرهای مختلف دارند که این کار را انجام می‌دهند؛ البته این کار یک مقدار مطایبه گونه است و بعد در ایران انجام شد.

آنچه که در غرب است، عمدتاً حزب برای قدرت و کسب قدرت سامان گرفته است؛ یعنی از ابتدا تا انتها فعالیت حزبی همین است؛ البته در ذیل مسائل قدرت، چون می‌خواهند که قدرت خود را نگه دارند، به مباحث فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره هم می‌رسند.

ممکن است که حزبی در امریکا بیاید و بگوید که ما با سقط جنین مخالف هستیم؛ سقط جنین یک امر فرهنگی است، اما آنجا عده‌ای هستند که می‌گویند که ما مخالف هستیم، این‌ها هم می‌گویند که مخالف هستیم، یک عده هم می‌گویند که مخالف نیستیم.

در همین انتخابات گذشته امریکا آقای ترامپ می‌گفت که ما مخالف هستیم و خانم کلینتون می‌گفت که ما مخالف نیستیم؛ بعد ترامپ در مناظره گفت که یعنی شما می‌گویید که بچه‌ای که بیست روز دیگر می‌خواهد بیاید را سقط کنیم؟

آنجا خانم کلینتون گفت که این دیگر نمی‌شود، ولی در مراحل اولیه؛ این کار اشکال ندارد. درست است که در آنجا حزب برای قدرت امریکا مبارزه می‌کنند ولی این موضوع می‌آید در مباحث حزبی قرار می‌گیرد.

منتها همین حزب را وقتی در حوزه اسلامی مطرح می‌کنیم یک تقسیم‌بندی حق و باطلی درباره حزب مطرح می‌کنیم؛ حزب الله و حزب الشیطان؛ حالا حزب الهی‌ها حق می‌شوند و حزب الشیطانی‌ها باطل می‌شوند.

اینجا باید روی این‌ها کار کنید. حزب الهی که آیه قرآن می‌فرماید و حزب الشیطانی که مطرح می‌کند، آیا این مفهوم حزب الله در قرآن مشکک است یا متعاطی است؟ یا حزب الشیطان مفهوم مشکک است یا متعاطی است؟

اگر متعاطی باشد باید خطکش بگذاریم و بگوییم که این حزب الله و آن حزب الشیطان است. به عنوان مثال نور امری مشکک است، یعنی شمع، خورشید، پروژکتور و لامپ همه نور هستند.

اگر مفهوم را مشکک بدانیم، حزب الله طیف گسترده‌ای می‌تواند بگیرد؛ اگر متعاطی بگیریم می‌گوییم که حزب الله فقط یکی است. در حزب الشیطان نیز همین طور است.



وسائل - دلیل بعضی از مخالفان این است که چون در صدر اسلام در جبهه حق اصلاً احزاب نداشتیم پس بحث از احزاب در جبهه باطل بوده و نادرست است.

ما به آن کاری نداریم، ما خود مفهوم را به صورت علمی مشکک می‌دانیم؛ احزاب داشتیم که جمع حزب است؛ شما الان نور را مشکک می‌دانید، حالا انوار داریم یا نداریم کاری نداریم؛ می‌گوییم که مشکک است؛ فلان چیز در اینجا متعاطی است؛ اینجا مشکک باشد تفسیرهای ما یک مقدار عوض می‌شود.

شما الان بگویید که اردوگاه غرب را جزو حزب الشیطان قرار دهیم؛ امریکا در رأس حزب الشیطان است، آن وقت ایرلند جزو غرب است، امریکا و ایرلند فرق می‌کند یا نه؟

ایرلند یک کشور مذهبی مسیحی است، مداخله هم ندارد؛ تجاوز هم ندارد؛ اما امریکا یک کشور مسیحی متجاوز است؛ این حزب

الشیطان است؛ آن هم ممکن است در تقسیم‌بندی جزو حزب الشیطان باشد، اما این‌ها با همدیگر فرق می‌کند.

پس باید روی این یک مقدار دقت کنید که اگر ما مقوله مشکک بدانیم باید لوازم آن را هم بپذیریم؛ ولی در عین حال در آیه قرآن حزب الله و حزب الشیطان دارد و احزاب دارد که جنگ احزاب را هم مطرح می‌کنند، سوره احزاب هم وجود دارد و این مباحث را مطرح می‌کند.

اما این موضوع غربی، وارد کشورهای اسلامی شده است، کشورهای اسلامی به نوعی تلقی قبول کرده‌اند؛ تمام کشورهای اسلامی وقتی لوازم مدرن را پذیرفته‌اند، می‌گویند که مباحثی که از مدرنیته می‌آید را پذیرفته‌اند.

جالب این است که من یک روز دیدم که در شبکه سه سیما، آقای کدخدایی صحبت می‌کند؛ چون به صورت عمده از شورای نگهبان انتقاد می‌شد، آنجا یکی از خانم‌ها و آقایان بود که گفت که شورای نگهبان مسبوق به سابقه در کشورهای دیگر و حقوق اساسی کندی وجود دارد یا نه؟

عین عبارتی که آقای کدخدایی گفت و من هم در نوشته‌ها و درس‌هایم می‌گویم، این است که ما این شورای نگهبان را از شورای قانون اساسی فرانسه برداشته‌ایم؛ من هم در درس‌هایی که برای ارتقای اساتید می‌گویم، در آنجا این را مطرح می‌کنم و یک مقدار تطبیق با شورای قانون اساسی فرانسه دارم که برایشان می‌گویم.

اتفاقاً راست و چپ حزبی از فرانسه آغاز شده است؛ چون گفتند که کسانی که موافق این موضوع هستند به سمت راست مجلس بروند و کسانی که مخالف هستند به سمت چپ مجلس بروند و اینطور راست و چپ تشکیل شد.

الان هم در کشورهای غربی وجود دارد و البته در دهه شصت و هفتاد راست و چپ در ایران بود اما به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تفکیک شده است؛ حالا راست مدرن و چپ مدرن را هم مطرح کرده‌اند.

پس این مواردی است که از آنجا به ایران و در کشورهای اسلامی آمده است، تقریباً اصل قبول را تلقی قبول کرده‌اند، حزب بودن که فعالیت‌های سیاسی کند؛ حالا اینجا تغییراتی ایجاد شده است یا نه، چگونه است؟ این مطلب را بحث خواهیم کرد.

اینکه حزب یک تشکیلاتی برای قدرت است مورد پذیرش قرار گرفته است؛ می‌توانیم در رفتار امام(ره) یک مؤید بیاوریم که در دهه

شصت وقتی بحث‌های متعددی درباره مسائل اداره جامعه مطرح شد.

بحث خصوصی‌سازی و مالکیت خصوصی و امثال این‌ها مطرح شد، بین طیفی از روحانیون که خواستار عدم مداخله دولت در امور اقتصادی بودند و روحانیونی که می‌گفتند نباید دخالت شود، اختلاف شد. مرحوم آقای احمدی میانجی نیز کتاب مالکیت در اسلام نوشت و دو جلد منتشر کرد.

سرانجام موجب شد که برخی از روحانیان از جامعه روحانیت جدا شوند. آقای انصاری که در دفتر امام(ره) بود، برایش در این زمینه تشکیک ایجاد شد که امام(ره) دارد روحانیان را دو شقه می‌کند.

مجمع روحانیون از جامعه روحانیت جدا شد؛ امام (ره) گفتند که اشکالی ندارد. این اجتهاد است و در مقابل آن تخطئه هم وجود دارد. این مصوبه نیست که بگوییم باید یکی باشد؛ امام(ره) در نامه‌ای که به آقای انصاری می‌نویسد می‌گوید که این‌ها دو اجتهاد متفاوت هستند.

منتها حالا بعد بحث خواهیم کرد که آیا کسب قدرت ما هم مانند همان‌ها باید باشد یا یک ترمزها و ایستگاه‌هایی وجود دارد؟ ولی اصل موضوع که حزب، گروه، تشکل و مانند آن است، در این‌ها پذیرفته و مطرح شده است.



وسائل - پس با این معنایی که شما از حزب ارائه فرمودید، مشخص می شود که حزب یک مسأله مستحدثه است و با آن حزبی که اوایل صدر اسلام است از حیث محتوا و معنا فرق دارد؟

فرق دارد؛ چون در حزب‌های مدرن صف آراییی است، کسی که حزب (ب) باشد با حزب (الف) فرق می‌کند، از این جنبه کسانی که در اردوگاه مخالف پیامبر اسلام (ص) بودند، حزب الشیطان بودند، کسانی که در اردوگاه آن حضرت بودند حزب الله بودند، البته در میان حزب الله آن زمان هم فرق‌هایی وجود داشت.

حضرت پیامبر(ص) می‌فرمایند که اگر ابوذر بداند که چه چیزی در فکر سلمان می‌گذرد آن را تکفیر می‌کند؛ آنجا هم می‌بینیم که ابوذر و سلمان هر دو از یاران بسیار مطلوب پیامبر(ص) هستند؛ ولی دو جهت‌گیری خاص خود را دارند.

وسائل - ولی حزب نبودند.

نه، ولی مثلاً می شود گفت که سلمان می‌گفت که ما این نوع تفسیرها را داریم، به طور مثال پیامبر(ص) می‌آمد و می‌گفت که سلمان شما با دار و دسته خود بیا این کار را انجام بده؛ حالا در شورا هم بحث می‌کنیم که آنجا اگر شورایی باشد یک کسی می‌گوید که ما در شورا این را در نظر داریم.

یک دسته برای خودش درست کرده است و آن مباحث را مطرح می‌کند؛ می‌شود تمثیل‌سازی‌ها و تشابه‌سازی‌هایی کرد، ولی خود مفهوم حزب با این تشکیلات، نهاد، سازمان، اساسنامه و غیره که باید داشته باشد، جدید و مدرن است.

به خاطر ویژگی‌های باوری و اعتقادی به برخی می‌گفتند که از افراد حزب الله است و آن دیگری که باورهای متقابلی داشتند را می‌گفتند که حزب الشیطان است.

وسائل - حالا ما این حزبی که از غرب آمده است را می‌خواهیم فقهی‌سازی کنیم؟

بله می‌توان بررسی کرد.

وسائل - مبانی ای داریم که بتوانیم این حزب وارداتی را ذیل آن مبانی تفسیر کنیم؟

حالا بحث خواهیم کرد. پس اینجا یک امر مدرنی است و باید مسائل مستحدثه را به فقه عرضه کرد و فقه بر اساس مبانی هاپی که وجود دارد، آن را بررسی می‌کند.

معنای فراتر آن است که می‌گوییم چون معنای تحزب در اسلام است در فقه هم می‌توان آن را دنبال کرد. یک مرتبه می‌توان مسائل اجتماعی را مطرح کرد و یک مرتبه می‌توان مباحث فقهی را به طور خاص مطرح کرد؛ این باید عرضه شود، سپس ببینیم که چگونه است.

در این صورت می‌توانیم برخی از مباحث را بررسی و دنبال کنیم که با حزب و حزبیت می‌تواند سازگار باشد؛ نمی‌خواهم بگویم که این همانی ایجاد کنیم؛ فرض بگیریم که تباین هم وجود داشته باشد،

به دو قسم دیگر می‌آید که عام و خاص مطلق و عام و خاص من وجه باشد.

شاید عام و خاص من وجه آن خیلی خیلی قوی‌تر باشد؛ به اینکه حزبی که در اسلام داریم، ممکن است که اشتراکاتی با آنها داشته باشد و افتراقاتی نیز داشته باشد؛ افتراقات حزب اروپایی و افتراقات حزب اسلامی؛ اشتراکات حزب اروپایی، غربی و اسلامی ممکن است که وجود داشته باشد.

من فکر می‌کنم که این مطلب ممکن است که خیلی بهتر باشد برای این نسب اربعه که درباره حزب داریم؛ این را نگاه کنیم می‌توانیم برخی از مباحث را در مسائل اسلامی حل کنیم.

مثلاً این شورا را می‌توان در این مسأله آورد و بحث کرد؛ چون من قبلاً بحث کرده‌ام دیگر نیاز نمی‌بینم که ورود داشته باشم؛ چون در شورا این است که شور و مشورت کنند، باید عملیاتی باشد.

الان پنجاه نفر نشستیم شور و مشورت می‌کنیم، سی و پنج نفر گفتند که این کار و پانزده نفر گفتند که آن کار انجام شود؛ ما اگر بگوییم که این پانزده نفر به آن سی نفر ترجیح بدهیم ترجیح بلا مراجع نیست؟ البته فرض کنیم که سی نفر متخصص هستند.

حالا ممکن است که متخصص نباشند، بگوییم که پنجاه نفر هستند، از این پنجاه نفر سی نفرشان متخصص هستند و بیست نفر از آنها عوام الناس که در آن موضوع مخالف با این سی نفر متخصص هستند؛ یا اینکه برعکس باشد.

اینجا می‌گوییم که متخصص هستند و مرجحات تخصصی وجود دارد ولی فرض باشد که نه، در آن گروه شورای فرماندهان نظامی است، همه سرلشکر و سرتیپ هستند و متخصص نظامی هستند، پنجاه نفر هستند؛ می‌گویند که این عملیات را شروع کنیم یا نکنیم.

سی و پنج نفر می‌گویند که شروع کنیم به این دلایل، پانزده نفر می‌گویند که شروع نکنیم، اینجا چه راهکاری برای شورا باید وجود داشته باشد؟ طبیعی است که آن سی و پنج نفر را باید عمل کنیم؛ این شورا می‌تواند در این موضوع ورود داشته باشد. باید بحث کرد؛ مطلب دیگری که می‌شود مطرح کرد بحث بیعت است.



وسائل - پس یکی از میانی، بحث میانی شورا است.

بله به صورت اسلامی می‌گوییم که در فقه هم می‌آید. بیعت هم یکی از مباحثی است که وجود دارد که می‌تواند مورد بحث قرار دهیم.

بیعت هر چند مطلبی است که بیشتر اهل سنت پردازش کرده‌اند و در آثار خود گفته‌اند، اما در متون اهل بیت (ع) هم به آن پرداخته شده است.

مثلاً شما نگاه کنید در اینکه بیعت چگونه است؛ در عقبه اولی و عقبه ثانیه با پیامبر(ص) بیعت کردند. حضرت برای تشکیل حکومت دادن به یثرب آمد و مردم با او بیعت کردند؛ حتی پیامبر(ص) دستور داد که تشت آبی را قرار دادند که زنان دستشان را در تشت آب بگذارند و به این شکل با رسول خدا(ص) بیعت کنند.

این را هم می‌شود به نوعی برای مشارکت، تشویق، ترغیب بحث کرد؛ همه یک دسته نبودند، اوس بود، خزرج بود، دیگران و دیگران بودند، با گروه‌ها و قبایل خود می‌آمدند که هرکدام هم دیدگاه خاص خود را داشتند.

پیامبر(ص) نیامد که همه را ادغام کند؛ پیوند اخوتی ایمانی بین‌شان برقرار کرد، اما اینکه اوس و خزرج نباشد و چنین چیزی وجود نداشت.

حالا درباره بیعت می‌توانیم کد هم بیاوریم؛ آقای مشکینی و شورای سیاستگذاری ائمه جمعه در سال 65 از امام(ره) سؤال

کردند که فقیه چگونه ولایت دارد؟ عین عبارت امام(ره) این بود که فقیه در جمیع صور ولایت دارد.

این معنا ثبوتاً است اما در مقام اثبات اگر بخواهد اعمال حاکمیت کند باید خبرگان ملت به آن فقیه جامع‌الشرایط رأی دهند؛ وقتی که رأی دادند، حکم او نافذ می‌شود.

یعنی قبل از اینکه رأی ندادند نفوذ ندارد؛ بعد امام(ره) تعبیری دارد که می‌توانید در صحیفه جست‌وجو کنید به این مضمون که کاری که خبرگان انجام داد در صدر اسلام بیعت نامیده می‌شد.

اعضای خبرگان رأی می‌دهند، سپس یک دسته رأی دهنده و یک دسته رأی ندهنده می‌شوند، این مسأله را فرض کنید و مشابه‌سازی کنید با مجلس فرانسه که گفتند که آن‌ها که مخالف هستند طرف چپ بروند و آن‌ها که موافق هستند به سمت راست بروند.

حالا اینکه رأی دادن بیعت است یا نه؟ من کتابی با عنوان «بیعت در فقه سیاسی شیعه» دارم، حدود 100 صفحه است که این نکات را تماماً آورده‌ام؛ در آنجا بحث کرده‌ام که آیا رأی امروزی با بیعت سازگار است یا نیست؟ آقای فاکر میبیدی یک مقاله‌ای دارد در آنجا بیعت بودن رأی را رد کرده است، بنده هم ردی بر آن نوشتم که این موارد آن کتاب هست.

حالا این هم از مواردی است که می‌تواند در این قسمت مشارکت بیاید، به نوعی شبیه احزاب می‌شود، ولی نمی‌گوییم که حزب است، اما آن رگه‌های باوری حزبی را می‌تواند ایجاد کند.

به عنوان مثال الان علی‌الدوام یک عده‌ای در مجلس هستند که سمت و سوی خاصی دارند؛ مثلاً در مجلس خبرگان برخی در این طیف و عده‌ای هم در آن طیف قرار می‌گیرند؛ این هم یکی از مواردی است که ما می‌توانیم داشته باشیم.

امام(ره) در آن نامه خودش می‌گوید که تخطئه از چیزهای اساسی ما است، تصویبی که نیست؛ اینطور باشد ما باید کثرت را داشته باشیم؛ افراد با توجه به مبانی، مسائل، مبادی و لوازم، دیدگاه‌های خاص را می‌گیرند.

الان یک آقایی عالم است، عالم سیاست، اجتهاد، علوم اسلامی و غیره است و عده‌ای از ایشان طرفداری می‌کنند و به سراغش می‌روند می‌گویند که نظر من این است، دفتر، دستک و تشکیلات هم می‌گوید و جلوتر می‌رود و به دیگران هم آسیب نمی‌زند.

می‌گوید که من نظرم این است که برای اداره جامعه باید این کار را انجام دهیم، یک عده‌ای همراهش شدند، ما این را باید رد کنیم؟ با کثرت‌گرایی اجتماعی ما منافات دارد یا ندارد؟

اگر بگوییم که حق ندارد که اینگونه استنباط داشته باشد طبیعی است که منافات خواهد داشت چون بر اساس مبناي امام(ره)، سیاست و دیانت را یکی می‌دانیم.

همچنین اگر عالمی بگوید که من به امام(ره) علاقه‌مند هستم و شاهد بودم که نظر ایشان در این مباحث اینگونه است و تفسیرهای من از امام(ره) چنین است؛ عده بی شماری هم بیابند و از او طرفداری کنند، بینی و بین الله مخل مبانی اسلام و جمهوری اسلامی نباشد، همه کارهایش مبتنی بر قانون اساسی و جمهوری اسلامی و رهبری باشد.

آیا اینجا باید بر اساس کثرت‌گرایی، این حرکت را بپذیریم یا نپذیریم؟ کثرت‌گرایی اجتماعی را مطرح می‌کنیم و مخطئه هم هستیم؛ این یکی از مباحثی است که ما می‌توانیم در این موارد استفاده کنیم.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر را می‌توانیم بیان کنیم؛ این واقعا یکی از مواردی است که می‌تواند جامعه را دو دسته کند؛ عده ای بگویند که این‌ها معروف هستند و باید انجام شود و ممکن است دیگران بگویند که این‌ها معروف نیستند.

رابطه برقرار کردن با اروپا در پسا برجامی، جزو معروفات نظام سیاسی ما محسوب می‌شود یا منکر است؟ امریکا را منکر می‌دانیم، اما اروپا چه؟ ممکن است که یک عده‌ای واقعا نماز شب می‌خوانند، قرآن می‌خوانند، بگویند حالا که با امریکا نمی‌توانیم ارتباط داشته باشیم با اروپا و با تحفظ به آیین خودمان ارتباط برقرار کنیم و این کار را جزو معروفات جامعه محسوب کنند.

معروفات مسلم مانند زکات، صلاة و این‌ها طبیعی است که وجود دارد، اما در معروفات اجتماعی با زمان جلوتر می‌رویم، همین موضوع ارتباط با اروپا آیا منکر است یا منکر نیست؟ ممکن است که کسی استدلال کند و بگوید که اروپا چون دست پرورده و دنباله‌رو امریکا است ما هر کاری بکنیم اروپا هم دنباله‌رو آن است؛ ارتباط با آنها منکر است.

ممکن است که بگوید که ما سیگنال‌ها و علائمی از اروپا داریم که خط مشی خود را از امریکا جدا می‌کند، همین که اروپا در برابر دشمن قدری مانند امریکا، در برخی از موارد با ما همکاری باشد و ما

را حمایت کند، در عرصه بین‌الملل خیلی خیلی جالب است و جزو معروفات اجتماعی ما می‌شود.

اینجا هم از باب امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاسی عرض می‌کنم که کاملاً ما می‌توانیم ورود کنیم به مسائل دسته‌جات و حزبی و گروهی را داشته باشیم.

این‌ها چیزهای کلی هستند که ما می‌توانیم از آموزه‌های دینی برای حزب استخراج کنیم، البته همه این مسائل را در گفت‌وگوی یک ساعته، نمی‌توانیم باز کنیم، می‌توانیم یک سرخ‌ها و کلیاتی بدهیم که به این سمت و سو برویم. /300/229/ح

ادامه دارد ...

تهیه و تنظیم: علیرضا فلاحی



گزارش خطا

برچسب‌ها: **ت‌حزب، فقه حکومتی، احزاب، امر به معروف، نهی از منکر، قانون اساسی، جمهوری اسلامی**

لینک کوتاه: vasael.ir/00031W

اشتراک گذاری:

مطالب مرتبط

معرفی مقاله | امکان سنجی
ت‌حزب در جمهوری اسلامی ایران
گفت‌وگو | حزب به معنای غربی
در بوته نقد اسلامی

گفت‌وگو | بررسی نسبت حکمرانی
حزبی و حکمرانی ولایی
گفت‌وگو | بررسی حکمرانی حزبی
در نظام ولایی

ارسال نظر

نام:



ایمیل:

* نظر:

ارسال

خبر برگزیده

برترین‌ها

- سقط جنین مدل نوین زنده به گور کردن فرزندان است / مشترکات جاهلیت قدیم و مدرن
- تأثیر مثبت رسانه‌های تخصصی در خنثی کردن ترفند رسانه‌ای دشمن / «فقه حکومتی» پشتوانه علمی انقلاب اسلامی
- **ضرورت توجه به نظریه ارتباطات در فقه رسانه**
- طعمه یا امانت؛ اخلاق حرفه‌ای کارگزاران عمومی در اندیشه علوی
- **نشست علمی «قدس و فلسطین در آینه فقه مقاومت»**
- **مبانی دینی دفاع از قدس شریف** 
- **معرفی کتاب | اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای**
- **اطلاع نگاشت | سیره عملی و گفتاری علمای شیعه در حمایت از فلسطین** 
- **فقه القضا | بررسی حکم انواع رشوه در غیر باب قضا**

آخرین اخبار

- نظام موظف به پشتیبانی مالی و جانی از گزارشگران فساد است
- مستثنیات نظارت شورای نگهبان بر اقدامات مجلس شورای اسلامی
- نقش منفی دنیامداری نخبگان و خواص بر انحراف جامعه
- محرومیت مجرم از حقوق اجتماعی در جرایم عمدی

- بررسی مشکلات بین حضانت و ولایت از نظر فقهی و حقوقی
- پیشگیری از فساد در منظومه فکری اسلام ناب مهم‌تر از مجازات مفسدان است
- سن ازدواج از شاخص‌های مهم برای ارزیابی بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود / افزایش سن تمایل به مجرد زیستی را بیشتر می‌کند
- افراد ضعیف‌الایمان؛ مهم‌ترین طعمه منافقین در دولت اسلامی
- فقه بورس | بررسی ادله وکالت شخص حقوقی
- عرصه‌های حقوق بشر اسلامی و کرامت انسان و پیشنهادهایی برای ضمانت اجرای آن

اوقات شرعی



استان مورد نظر را انتخاب کنید



شهر مورد نظر را انتخاب کنید

۱۴۰۲ / ۰۴ / ۰۴

قم

۰۴:۰۸:۳۴

اذان صبح

۰۵:۵۴:۴۴

طلوع آفتاب

۱۳:۰۹:۳۷

اذان ظهر

۲۰:۲۳:۱۴

غروب آفتاب

۲۰:۴۳:۵۳

اذان مغرب

[فقه اقتصاد و حقوق](#)

[فقه سیاست](#)

[صفحه نخست](#)

تمام حقوق مادی و معنوی این سایت متعلق به وسائل می باشد و استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

طراحی و تولید: "ایران سامانه"